

( 325 )

هو الله

ای ثابتان بر پیمان جمال مبارک بقلم اعلی عهد وثیقی و میثاق عظیمی تأسیس نمود و بموجب عهد و میثاق باید کل اطاعت و انقیاد نمایند مفری از برای نفسی باقی نگذاشتند و بشرطی مشروط نفرمودند لهذا در هر امر مهمی که تعلق بعموم دارد باید احبای الهی استیذان نمایند و اجازه طلبند و آنچه از قلم میثاق صادر مجری دارند هذا هو الحق حال احبای الهی باید شب و روز بکوشند تا ترویج کلمة الله گردد و نشر نفعات الله شود این امر مهم است و تشبث بمادون سبب فتور گردد هر چند نوایا خالص است و مقاصد خدمت امر ولی باید آنچه از قلم میثاق صادر مجری گردد و آن اینست که احبای الهی حصر افکار در تبلیغ امر الله نمایند اول باید ما یحتاج بنا را حاضر کرد پس به بنیان پرداخت تا سنگ و آهک بدرجه کفایت مهیا نگردد دست به بنیان زدن و یا بفکر نقش و نگار افتادن سبب فتور شود حال مانند عبدالبهاء باید جمیع احبا فکر خویش را حصر در اعلاء کلمة الله نمایند بعد از حصول مقصود باید بنظم و ترتیب پرداخت افکار را متفرق ننمائید زیرا تشنت حاصل میشود جمیع همت را حصر در امریکه اعظم امور است نمائید و آن تبلیغ امر الله است چنانکه جمیع الواح مبارکه حصر در اینست در هیچ لوحی ذکر دون آن نه ما آنچه بکوشیم و تصور نمائیم البته آنچه از قلم اعلی صادر آن موافق در ایام مبارک چگونه بود همان باید مجری شود و مادون آن اهمیتی ندارد عبدالبهاء بجهت اعلاء کلمة الله و نشر نفعات الله از عتبه مقدسه که روح و روان اوست هجرت نموده و از تقبیل آستان آرزوی دل و جان مهجور گشته محض اینکه بلکه موفق بخدمتی و عبودیتی شود و هیچ فکر و ترتیبی جز اعلاء کلمة الله ندارد چگونه سر ز خجالت برآورم بر دوست که خدمتی بسزا بر نیامد از دستم (عع)